

و شکست معتزله به خاموشی گرایید، قشری‌گری اندیشه‌ها را به بند کشید و در همه عرصه‌های علمی، ادبی، فکری و دینی، خلاقیتها جای خود را به شکل‌نگری‌ها و ظاهر‌گرایی‌های تهی مایه سپرد. بی‌گفتگو روشن است که دانش بدیع نیز نمی‌توانست از آفت و آسیبی که بر گستره معارف و علوم دامن می‌گسترده برکنار و در امان بماند. از آن هنگام که نشانه‌های انحطاط در تمدن اسلامی نمایانتر شد منحنی صنایع بدیعی نیز سیر صعودی یافت و مؤلفان کتابهای بدیعی، بدون درک درست مبانی زیبایی‌شناختی شعر و ادب تلاش خود را صرف تطویل‌های بیهوده و صنعت‌تراشی‌های معایر یا موازین استتیک شعر کردند و در نتیجه نه فقط به پرورش ذوق و استعداد ادبی نوآموزان یاری نرساندند، بلکه زمینه انحراف و ابتذال و انحطاط ذوق و قریحه را فراهم آوردند.

بدیع فارسی همواره تحت تأثیر بدیع عربی بوده است و اصطلاحات و تعاریف خود را نیز غالباً از آن به وام گرفته است، از این رو علم بدیع در زبان عربی و فارسی سیر و تحول همسانی داشته است، چنانکه تعداد صنایع ادبی در کتاب البدیع ابن معتر از ۱۷ صنعت درمی‌گذشت، قدامه بن جعفر این تعداد را در نیمه اول قرن چهارم به ۲۰ صنعت رسانید، و ابوهلال عسگری آن را به ۳۷ صنعت فزونی داد، این سیر صعودی همچنان به وسیله ابن زشیق قیروانی، ابن ابی الاصبغ و دیگران استمرار یافت تا از مرز ۲۰۰ صنعت نیز در

خلاقیت‌های ادبی فروکشیده است؛ و توسعه صورتی این دانش جز شکل‌گرایی‌های غیر هنری و گاهی بیمارگونه نتیجه و حاصلی در پی نیاورده است. رواج بازار صنعت تراشی‌ها و اصطلاح‌سازی‌ها به تعبیر مهدی اخوان ثالث «سیستم التذاد بدیعی» را به جای نظام التذاد طبیعی، شاعرانه و هنری نشانده و ذوق و ذائقه را به انحراف کشانده است.

این شکل‌گرایی افراطی در غرضه بدیع و کم‌مایگی آثار ادبی مبتنی بر موازین التذاد بدیعی از جوهره خلاقیت، بی‌گمان برخاسته از علل و عوامل بنیادی تری است. به اعتقاد راقم این سطور نمی‌توان سیر تحول دانش بدیع را از روند کلی تحول اندیشه و انحطاط تعقل در دنیای اسلام جدا دانست. بدعت‌های تهی مایه بدیعی نمودی از ظاهرگرایی عام و قشریت فراگیری است که از زمان ظهور نشانه‌های انحطاط در تمدن اسلامی، به تدریج بر ذهن و ضمیر و کوششهای علمی و ادبی مسلمانان اعم از ایرانی و عرب سایه افکنده است. در روزگاری که تمدن اسلامی دوران شکوه و عظمت خود را می‌گذرانید، خلاقیت‌های ادبی نیز به موازات بسط و تعمیق علوم و معارف دیگر رو به سوی اوج و اعتلا داشت، و چنین بود که در گوشه گوشه سرزمینهای اسلامی، استعدادهای درخشانی پرورش می‌یافت و دانشوران نامداری برمی‌خاستند و سایه شکوه خود را بر همه تاریخ می‌گستراند.

اما از هنگامی که تمدن اسلامی رو به انحطاط نهاد، مشعل خردورزی با گسترش اندیشه‌های کلامی اشاعره

دانش بدیع به عنوان یکی از شاخه‌های علوم بلاغی، از آغاز پیدایش آن در قرن سوم تا قرن چهاردهم هجری تنوع و گسترش چشمگیری یافته است، چنانکه شمار اصطلاحات و صنایع بدیعی از حدود ۱۷ و ۲۰ در آثار نخستین مؤلفان کتابهای بدیعی نظیر ابن معتر (متوفی ۲۹۶ هـ. ق) و قدامه بن جعفر (متوفی ۳۳۴ هـ. ق) تا زمان تألیف اندع البدایع شمس العلمای قریب (متوفی ۱۳۰۵ ش) از ۲۲۰ صنعت و اصطلاح نیز در گذشته است.

در نگاه نخست چنین می‌نماید که این تحول و تنوع و بسط و گسترش، گواه تعمیق و تکامل این شاخه علوم بلاغت و اعتلای خلاقیتها و نوآوری‌های ادبی و هنری باشد، اما تأمل دقیق‌تر در روند دگرگونی و تنوع مصطلحات بدیعی نشان می‌دهد که میان بسط و فزونی صنایع و اصطلاحات این علم، و رشد و اعتلای خلاقیت‌های ادبی رابطه معکوسی وجود دارد، و به میزانی که بر شمار این صنایع افزوده شده است، شعله

شکوه علوم انسانی و مطامع فرهنگی

باقر صدیقی نیا

ابدع البدایع

تألیف: شمس العلمای گرکانی

به اهتمام: حسین جعفری

انتشارات اخرار تبریز، ۱۳۷۷

مرور به آثار بدیع فارسی نیز مؤید سیر رو به تزاید مصطلحات بدیعی در گذر روزگاران است. قدیمی‌ترین کتاب بدیع فارسی که از تندباد حادثه‌ها در امان مانده و به دست ما رسیده است، کتاب ترجمان البلاغة محمد بن عمر رادویانی است، این کتاب که از آثار قرن پنجم هجری است بر اساس کتاب محاسن الکلام مرغینانی تألیف شده است. رادویانی در کتاب خود تعداد صنایع بدیعی را از ۳۳ صنعت که در کتاب مرغینانی آمده بود به ۷۳ صنعت رسانده است، هر چند رشیدالدین وطواط در میانه سده ششم یا تصرف در بعضی از صنایع و ادغام و حذف پاره‌ای از آنها این تعداد را به ۵۸ صنعت فروگاسته است، اما پس از وی مؤلفان آثار بدیعی، به ویژه از قرن هشتم به بعد بر تعداد آنها افزوده‌اند تا اینکه شمس‌العلمای قریب گرگانی، مقارن نهضت مشروطیت (۱۲۸۳ - ۱۲۸۸ ش) ۲۲۰ صنعت بدیعی را در کتاب ابداع‌البدایع خود گرد آورده است. حاج میرزا محمدحسین قریب، ملقب به شمس‌العلمای گرگانی و متخلص به ربانی (۱۲۲۲ - ۱۳۰۵ ش) به سبب اشراف بر ادب و شعر فارسی و عربی، از امکانات و صلاحیتهای علمی و ادبی لازم برای پرداختن کتاب جامعی در علم بدیع بهره‌مند بوده است، وی در تدوین کتاب خود سنت و شیوه اسلاف را به کار بسته و پس از تعریف هر صنعت و اصطلاح، شواهد عربی و فارسی متعددی را برای تبیین تعریف خود ذکر کرده است، و در مواردی از اظهار نظرهای نقادانه نیز دریغ نورزیده است.

اهمیت کتاب ابداع‌البدایع در آن است که مشتمل بر همه صنایع بدیعی است که در طول تاریخ فرهنگ اسلامی از قرن سوم تا عصر مؤلف فراهم آمده است. این صنایع قطع نظر از میزان اعتبار و ارزش زیبایی‌شناختی آنها محصول تکاپوی ذهنی دانشوران ادیبان روزگاران گذشته است، و اگرچه بسیاری از آنها جز فرسودن ذهنها و گرانبار کردن بی‌ثمر ذخایر فرهنگی حاصلی در بر ندارد، از جهت ارائه تصویر روشن از سیر تطور صنایع بدیعی و حساسیتها و دلمشغولیهای ارباب ادب، در نوع خود می‌تواند سودمند باشد.

اگر تعداد زیادی از صنایعی که شمس‌العلمای در کتاب خود آورده است، فاقد ارزش ادبی و هنری است، باید بر فرهنگ، ذوق و ذائقه اهل ادب و نظام التذاذ بدیعی رایج در روزگاران گذشته و عصر وی خرده گرفت نه بر خود او. در کتاب او هر نو صنعتی یا هر آنچه صنعت نامیده می‌شد گرد آمده است، برخی از آنها دارای ارزش موسیقایی و زیبایی‌شناختی است، و پاره‌ای دیگر از نوع معما و چیستان است (نک: نقل لغات / ص ۲۴۶ کتاب) برخی از آنها که صنعت نام گرفته‌اند گواه روشنی بر انحطاط ذهنها و ذوق‌هاست (از جمله نک: صنعت حذف، وصل اییات و... / ص ۲۱۹، ۲۴۹ کتاب) تب



به چنین زلف تو روزی زدم به شوخی دست
گذشت عمری و دستم هنوز غالیه بوست
که مأخوذ از این بیت سعدی است:
به خواب دوش چنان آمدی که زلفینش
گرفته بودم و دستم هنوز غالیه بوست
به راستی آیا می‌توان میان این به اصطلاح صنعت
ادبی و آنچه قدما در تعریف سرقت ادبی سلخ گفته‌اند.
تمایزی دید؟

ابدع‌البدایع پیش از این یکبار در سال ۱۳۲۸ هـ.ق در ۳۲۲ صفحه با چاپ سنگی و به خط نستعلیق در تهران به طبع رسیده بود، و به علت گذشت مدت زمان طولانی از طبع نخست آن عملاً از دسترس علاقه‌مندان و پژوهندگان علوم بلاغت دور مانده بود. نشر ویرایش تازه‌ای از آن با امکانات و حروف جدید کار بایسته‌ای بود که اکنون پس از گذشت هشتاد و هشت سال به اهتمام آقای حسین جعفری جامه عمل به خود پوشیده است.

هدف ویرایشگر از اهتمام به چاپ مجدد کتاب چنان که خود در صفحه ۱۳ مقدمه یادآور شده است، بیرون آوردن آن از انحصار کتابخانه‌های عمومی و شخصی قدیم و قرار دادن کتاب در دسترس همگان بوده است. بوی که خود به بی‌ارچی برخی از صنایع مندرج در ابداع‌البدایع وقوف دارد، خوانندگان و دانشجویان را از صرف وقت برای فراگیری آنها بجز حذر می‌دارد و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم، سرگرم شدن به چنین معماها را شایسته نمی‌داند؛ اما در عین حال بدرستی بر این عقیده است که با وجود انتقاداتی که می‌توان بر این کتاب وارد دانست، کتاب همچنان دارای ارزشهای بسیاری است و این نکته‌گیریها از ارزشهای فراوان آن نمی‌کاهد. (مقدمه ۱۵/ ویرایش تازه ابداع‌البدایع که به وسیله انتشارات احرار تبریز به بازار کتاب عرضه شده است علاوه بر کیفیت چاپ دارای مزیتها و فزونیهای دیگری است، گرچه از پاره‌ای کاستی‌ها و لغزشها نیز میزانیست. در اینجا نخست به مزیتها و سپس به برخی از کاستی‌ها و احیاناً لغزشهای آن اشاره می‌کنیم:

الف: کتاب دارای مقدمه‌ای به قلم جناب آقای دکتر جلیل تجلیل استاد دانشگاه تهران است که در ضمن آن با اشاره به اهمیت و اعتبار ابداع‌البدایع و معرفی مجمل نویسنده آن، با بهره‌گیری از منابع متقدم و متأخر علوم بلاغی به ایضاح پاره‌ای از شواهد شعری کتاب پرداخته شده است که حاوی نکات سودمندی است.

ب: مصحح با آوردن پیشگفتاری علاوه بر معرفی نویسنده و ذکر آثار و تألیفات دیگر وی، درباره ابداع‌البدایع و اهمیت آن و نیز در مورد شیوه کار خود در فراهم آوردن ویرایش تازه از کتاب به تفصیل سخن گفته است.

ج: مصحح با افزودن تعلیقاتی بر چاپ جدید، آن

صنعت تراشی پس از قرن هشتم چنان شیوع یافته بود که حتی در مواردی برخی از انواع سرقات ادبی نیز در شمار صنایع و محسنات بدیعی شمرده شده است، چنانکه آنچه صنعت تولید نام گرفته است (نک: ص ۱۹۱ کتاب) چیزی جز سرقت لفظ و معنی از دیگری نیست و اگر نتوان آن را یکسره انتقال نام نهاد قطعاً باید از نوع سلخ و الهام شمرده‌از جمله مثالهایی که شمس‌العلمای برای صنعت تولید ذکر کرده این بیت از محیط است:

فن دستور

فن دستور

دیونوسیوس تراکس

کوروش صفوی

هرمس، ۱۳۷۷

کتاب فن دستور که رساله‌ای کوتاه است، در واقع اولین کتاب منسجمی است که در قرن دوم پیش از میلاد درباره دستور نگاشته شده است.

کتاب حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول مترجم علاوه بر معرفی نویسنده و تبیین پایگاه فکری او، به ویژگی‌های کتاب و سیر تاریخی دستور نویسی غرب می‌پردازد. همچنین تأثیر این رساله را بر کتابهای پس از خود نشان می‌دهد: «... این بخش که خود زیر بخشهای متعددی را شامل است، با این هدف تهیه شده که با گذر از دوره‌های تاریخی مختلف در نهایت به تاریخچه مطالعات دستوری زبان فارسی منتهی شود و نشان دهد که آنچه امروزه دستور سنتی زبان فارسی نامیده می‌شود، چگونه از فن دستور تأثیر پذیرفته است.»

متن کتاب با تعریف دستور آغاز می‌شود: «دستور مطالعه عملی استعمال عام زبان است نزد شاعران و نثرنویسان.»

تراکس کلمات زبان یونانی را به هشت بخش اسم، فعل، وجه وصفی، حرف تعریف، ضمیر، حرف اضافه، قید و حرف ربط تقسیم می‌کند و قبل از توضیح آنها به تعریف «قرائت، نقطه گذاری، قطعه، اسطقس (حروف) و انواع هجاها» می‌پردازد.

بسیاری از تعاریف و تقسیم بندی‌های کتاب در زبانهای امروزی جاری است. در تعریف فعل می‌خوانیم: «کلمه‌ای است که حالت تصریفی ندارد [= از صرف اسم در حالت‌های نحوی برخوردار نیست] و نمایانگر تغییر زمان شخص و شمار است. فعل بر معلوم یا مجهول بودن نیز دلالت دارد و دارای هشت وصف تالی است: وجه، جهت، نوع، صورت، شمار، شخص، زمان و صرف» و وجه فعل که دستور نویسان فارسی هم بدان معتقدند: «خبری، امری، دعایی، التزامی، مصدری.» و یا تقسیم اسم به جامد و مشتق، خاص و عام و نکره و...»

«رساله فن دستور الگوی بررسی‌های جدا از خود در زبانهای مختلف قرار گرفته است و شاید بتوان بنا به گفته و نظر زبان‌شناسان: رساله حاضر را نخستین اثر کلاسیک در زمینه زبان‌شناسی و دستور زبان در سنت غربی خود دانست.»

این کتاب در ۶۸ صفحه و توسط انتشارات هرمس به چاپ رسیده است.

درباره بخش تعلیقات نیز چند نکته شایسته یادآوری می‌نماید:

مصحح چنانکه در مقدمه تصریح کرده است از میان شواهد شعری تنها به ترجمه ابیاتی پرداخته که به گفته خود درک صنعت مورد نظر بستگی به ترجمه آنها داشته است، در حقیقت ایشان تنها متعهد ترجمه ابیاتی شده‌اند که متضمن یکی از صنایع معنوی بوده است، این در حالی است که برخی از صنایع معنوی را با این استدلال که از نظر ایشان ارزش بدیعی نداشته و یا دارای ارزش بسیار اندکی بوده، کنار نهاده‌اند؛ اتخاذ چنین رویه‌ای، بخصوص کنار گذاشتن پاره‌ای از شواهد شعری براساس پسند و ذوق شخصی درست به نظر نمی‌رسد، شایسته آن بود که حداقل همه ابیات متضمن صنایع معنوی ترجمه می‌شد. نکته دیگر این که اگر چه ایشان در ترجمه شواهد شعری چنانکه خود اشاره کرده‌اند به سادگی و قابل فهم بودن تأکید داشته‌اند و متذکر شده‌اند: «اگر در ترجمه این ابیات شیوایی و رسایی کاملی مشاهده نمی‌شود از این بابت است» (ص ۱۴) متأسفانه در مواردی نه چندان اندک، چنانکه خود حدس زده‌اند، شیوایی و رسایی در کلامشان به چشم نمی‌خورد، بی‌تردید در هر ترجمه‌ای «رسایی» شرط اولیه است، چگونه ترجمه‌ای می‌تواند از «رسایی» بی‌نصیب ماند و در عین حال قابل فهم باشد، ایشان کوشیده‌اند در ترجمه ابیات به متن وفادار بمانند، اما این وفاداری غالباً به صورت ترجمه تحت‌اللفظی به جلوه در آمده و رسایی و شیوایی و نیز قابل فهم بودن در مولد مولف مغفول مانده است. (برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر نمونه صرف‌نظر می‌کنیم).

واپسین نکته اینکه در ارجاعات بخش تعلیقات، بویژه در مواردی که به شرح احوال شاعری پرداخته شده است، وحدت رویه رعایت نشده است، حال آنکه شایسته بود در همه جا شیوه واحدی به کار بسته می‌شد. از این موارد که بگذریم اهتمام جناب آقای جعفری به فراهم آوردن ویرایش تازه‌ای از کتاب ابداع و بخصوص تلاش ایشان در ایضاح متن از طریق ترجمه پاره‌ای از شواهد شعری، معرفی برخی از شاعران و افزودن توضیحات سودمند دیگر شایسته قدردانی است، کوششهای ایشان را ارج می‌نهیم و مطالعه ویرایش جدید ابداع الیادیع را به علاقه‌مندان علوم بلاغی توصیه می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شفیعی کدکنی، دکتر محمدرضا، مویخی شعر، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۸، چاپ دوم ص ۲۹۲ - ۲۹۴
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، از این اوست، انتشارات مروارید، تهران ۱۳۷۰، چاپ نهم، ص ۲۱۴
- ۳- نشاط، دکتر سید محمود، زیب سخن، تهران ۱۳۴۲، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۷-۱۸-۱۹-۲۷.

دسته از شواهد شعری عربی را که متضمن صنعت یا صنایع معنوی بوده، به فارسی برگردانده است و نیز تعدادی از شاعران کم‌اشتهار را که ابیاتی از آنها در خلال متن آمده معرفی کرده است. در پیشگفتار و تعلیقات مصحح برخی لغزشها و نقائصی به نظر می‌رسد که چند نمونه را یادآور می‌شویم:

۱- نثر مصحح در بعضی از صفحات پیشگفتار آشفته و ناپیوسته است، چنین می‌نماید که مصحح محترم با شتاب خاصی این صفحات را نگاشته و فرصت بازنگری و اصلاح نیافته است، بی‌گمان اگر چنین شتابی در میان نمی‌بود کلماتشان گزیده‌تر، جملاتشان منسجم‌تر و نثرشان فاخرتر و پخته‌تر از این می‌بود، چنانکه در نوشته‌های دیگر ایشان تا آنجا که به نظر رسیده چنین است، به عنوان نمونه در سطور پایانی صفحه ۷ مرقوم داشته‌اند: «در بخش ادبیات فارسی و احاطه او به شعر و نثر ادبیات شیرین فارسی نیز وضع دقیقاً به همانگونه است که در این میان پرداختن و توجه به آرایشهای سخن و توان او در علم بدیع جای بسی سخن و جای بسی دقت و تأمل دارد که در جای خود از آن سخن خواهد رفت.»

در صفحه ۱۳ و ۱۴ نیز برخی ناپیوستگی‌ها به نوشته ایشان راه یافته است. دو نمونه زیر از آن جمله است:

«در مورد نحوه ترجمه لازم به یادآوری است که تلاش شده است که به صورت ساده و بی‌پیرایه باشد...» (ص ۱۴)

در نمونه زیر بی‌احتیاطی و شتاب مصحح نثر او را دستخوش اغتشاش و آشفته‌گی افزونتری ساخته است:

«هرجا که اشاره‌ای به نخستین سابقه صنعتی شده است، از پایان نامه کارشناسی ارشد دوست بسیار عزیزم، جناب آقای احمد اصغری استفاده شده است که تحت عنوان «بررسی مسائل مربوط به علم بیان و بدیع در آثار بازمانده از دوره طاهریان و صفاریان و سامانیان» به راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر نورالدین مقصودی - که در کتاب حاضر نیز از برخی راهنمایی ایشان استفاده کردم و بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم - تألیف یافته است.» (ص ۱۴ / با رعایت علائم نگارشی متن)

آنچه را نیز ذیل بند «و» در همین صفحه آورده‌اند از ابهام و ناپیوستگی مصون نمانده است. در صفحه ۱۵ نوشته‌اند:

«و معتقدم که اگر مؤلف از آنها یاد برده بدان خاطر است...» به نظر می‌رسد که «از آنها یاد برده» باید به صورت «از آنها یاد کرده» اصلاح شود.

در صفحه ۱۶ نیز «حضرت سلیمان‌ش» باید به «حضرت سلیمانی‌اش» تغییر یابد تا نادرستی عبارت برطرف گردد.

سارا وزیرزاده